

اشاره

جامعه آمریکا امروزه با نوعی ترس و رعب عجیب شده است، ترس و رعبی که معلول سیاست های زیرکانه دولتمردان این کشور است. ترس از حملات تروریستی در یکایک مردم این کشور رخنه کرده و راه حل آن در گروهی اقدامات پیشگیرانه و لشکرکشی به دشمنان این جامعه معرفی می شود، تا از سویی توجه جامعه از مشکلات موجود منحرف شود و از سوی دیگر، همگان برای کاهش این ترس و رعب، به دولتمردان خود پناه برند.

شیخ جنگ بر سینه همه ما سنگینی می کند. شب ها با آن همراه می شویم و خواب های شبانه ما نیز از آن مصون نمانده است. صبحگاهان با آن از خواب بر می خیزیم و در تمام ساعات روز همراه و همپای ماست و به اشکال مختلف در افکار، گفت و گوها و حتی موسیقی مان نیز رخنه کرده و بدین شکل رفته رفته می رود تا به جزء لاینفک آینده مان تبدیل شود.

زندگی خود را مملو از تصاویری فراموش نشدنی، وحشیانه و فجیع نموده ایم و جامعه ای را شکل داده ایم که از فشارهای تکان دهنده و وحشتناک رنج می برد. ما مخاطب دولتمردانی شده ایم که هدایت ما را عهده دار شده اند و به نحوی موفقیت آمیز، از این ترس و رعب شکل گرفته در وجود ما به سود خود بهره می برند و تا آنجا که منافع شان ایجاب کند، به سوء استفاده خود ادامه می دهند.

اما جنگ پر هزینه و رو به گسترش علیه تروریسم، در حقیقت جنگی است که در اذهان ما در حال شکل گیری است و به ابزاری در راستای نابودی آزادی های مدنی مان تبدیل شده است؛ جنگی که جز با هدف کنترل و تسلط بر اذهان ما سامان نیافته است.

این اشباح جنگ را پیش تر، به کرات با چشمان خود دیده ایم که بارزترین نمونه های پیشین آن را می توان در جنگ های جهانی اول و دوم، جنگ کره و بالاخره جنگ ویتنام به خاطر آورد؛ جنگی که در طی شب های متمادی، نظاره گر اجساد خونین کشته ها و زخمیان آن بودیم. جنگ ویتنام نمونه ای از جنگی بود که از هرگونه توصیفی بی نیاز است.

هم اینک مردم شاهد تصاویر جنگ بر صفحه تلویزیون و نمایشگرهای کامپیوتری خود هستند. تصاویری که در آنها شاهد فرو ریختن بمب های واقعاً هوشمند نه بر سر دشمنان که بر سر مردمان جامعه خود هستیم.

«دیک چنی» وزیر دفاع دولت بوش پدر، در سال 1991م. در یکی از بیانیه های خود بدین نکته اشاره نمود که ما تنها کشور در این کره خاکی هستیم که توان گرد هم آوردن نیروهای حافظ صلح را داریم. اما آیا به راستی می توان صلح را با اتکای به نیروهای نظامی بر دیگران تحمیل نمود؟

ترس از تروریسم همه جا را فراگرفته است و محصول آن را می توانیم به وضوح در منتهن جنوبی، جایی که حصار آهنین، بازار بورس نیویورک را محصور نموده است ببینیم. این حصار آهنین که به عنوان مانعی علیه حملات تروریستی ساخته شده در سرتاسر این خیابان کشیده شده و یک سمت پیاده روها، کاملاً با نیروهای امنیتی و محافظین مسدود شده است. وانت هایی مخصوص در چهارراه های اطراف متوقف نموده اند. در یکی از روزهای سرد ماه ژوئن شاهد آن بودم که محافظین برای گرم کردن خود، پاهای خود را به یکدیگر می ساییدند.

حقیقتاً تنها دشمن آنها در آن روز، نه تروریست‌ها بلکه هوای سرد بود. چنین صحنه‌هایی به تصاویری می‌ماند که در فیلم‌های قدیمی سیاه و سفیدی که تصویرگر استبداد حاکمان و سلاطین ملت‌های کهن است، بعضاً شاهد آن هستیم.

اما خلق چنین شرایطی است که رفته رفته می‌رود تا شهرهای ما را به تسخیر خود در آورد. خیابان به خیابان، منطقه به منطقه و بدین نحو پس از چندی دیگر همه چیز و همه جا با ترس و وحشت عجین می‌شود. با صدور هرگونه بیانیه رادیویی، گزارش‌های ویژه خبری و نیز هشدارهای مقامات دولتی مبنی بر احتمال وقوع عملیات تروریستی، به رعب و وحشت دامن زده می‌شود و البته در سال‌های اخیر، عمده این‌گونه هشدارها و گزارش‌ها، با عبارت «تسلیمات کشتار جمعی» همراه شده است. آری! این طاعون ترسی است که امیدها را به ناامیدی و یأس تبدیل می‌کند و ما را از حقایق و واقعیت‌ها دور می‌سازد.

سال‌هاست که زندگی در محیطی موهوم را آغاز نموده ایم که در آن از ما خواسته می‌شود تحت لوای حکومتی که برای نیل به اهداف خود رعب و ترس را به ما القا می‌کند، زندگی را سپری کنیم. چنین حکومتی، دیگر به جزیی از خانواده جدید ما تبدیل شده است و همین عضو جدید خانواده ماست که از ما می‌خواهد تا تمام و کمال از حقوق مدنی خود چشم‌پوشی نماییم و خود را نسبت به حکومتی سؤال برانگیز وفادار نشان دهیم. حصارهای آهنین در اطراف بازار بورس وال استریت، از سویی نمادی از بازدارندگی علیه امیدها و آرمان‌های آینده و از سوی دیگر، القاگر ترس و وحشت در جامعه مان است.

در صورتی که «ترس از دیگری» به همین نحو ادامه یابد، شاهد آغاز اختلافات و درگیری‌ها بین یکدیگر خواهیم بود و از همین روست که باید خود را آماده و هوشیار نگه داریم؛ اما نه نسبت به دشمنان برون مرزی، بلکه باید نسبت به دشمنانی که در هیأت نیروهای نظامی در شهرها و محیط زندگی مان رخنه کرده‌اند و روز به روز هم حضورشان در زندگی ما محسوس‌تر و ملموس‌تر می‌شود و از ما می‌خواهند تا ترس را باور کنیم و همواره بدان فکر کنیم، از خود هوشیاری نشان دهیم. در این روند، نباید از واژه‌ها و عباراتی که القاگر ترس و وحشت بوده و همه روزه در رسانه‌های جمعی انعکاس می‌یابند غافل بمانیم.

اما به راستی بازار بورس نیویورک - که می‌تواند نمادی از جامعه آمریکا باشد - و صدها کامپیوتر که آن را به صدها شرکت در سراسر جهان متصل می‌سازد، آیا با تسلیحات میکروبی و شیمیایی از پای در می‌آید که این چنین با حضور هزینه بر نیروهای امنیتی و نظامی، به دژی محصور تبدیل شده است. و یا این که چنین بازاری، با همان سیستم کامپیوتری خود و تنها با خطایی کامپیوتری، می‌تواند فلج شده، از پای در آید.

به حق که در عصری جدید به سر می‌بریم، عصری که بخش عظیمی از منافع ملی ما به سرنوشت و وضعیت عراق وابسته است؛ منافعی که به عبارت دقیق‌تر، به کنترل کامل و تمام عیار ما بر منابع و ثروت‌های طبیعی دیگر کشورها گره خورده است. اما امروزه، زمانی شاهد شکل‌گیری چنین جنگ‌ها و لشکرکشی‌هایی هستیم که آمار بی‌خانمان‌هایمان - اگر چه از گزارشی به گزارش دیگر متغیر است - تنها در نیویورک به بالاترین حد ممکن خود در تاریخ این شهر رسیده است و اصلاً در کشوری ثروتمند همانند آمریکا، مسایل و معضلاتی از این دست، همان دشمنانی هستند که باید از آن‌ها به خود وحشت راه دهیم، نه این که با دامن زدن به ترس، نفرت، خشونت و شست و شوی مغزی مردم، رعب و وحشت را بر جامعه حاکم نماییم، رعب و وحشتی که دامن زدن به آن آسان و پایان دادن به آن بسی مشکل است.

*. ماهنامه سیاحت غرب، مرکز پژوهش های صدا و سیما، شماره یازدهم، اردیبهشت 1383.

«سیاحت غرب» با عناوین فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که به جهت شناخت بهتر و بیشتر جامعه غربی از منابع و نوشته های درون غرب به موضوع پرداخته است. مقاله پیش رو از بخش سیاسی آن انتخاب شده است. این نشریه در بخش فرهنگی نیز به این سؤال می پردازد که آیا تکنولوژی در کار کرد خود خنثی و بی طرف است و خیر و شر آنها بسته به کاربران خوب یا بد آنهاست یا آنکه فی نفسه واجد افتضات کارکردهای خاص هستند و نسبتشان با خیر و شر مساوی نیست؟

این نشریه را می توانید از قم، بلوار امین مرکز پژوهش های صدا و سیما تلفن: 2933866 تهیه نمایید.

** نویسنده و روزنامه نگار آمریکایی و مؤلف کتاب معروف The Queen of peace Room (ملکه اتاق صلح)